



پیامبر اعظم (ص) به شدت مسلمانان را از تفرقه بر حذر می‌داشتند

هر وقت جهان اسلام به خاطر مسئله غزه یا اتفاقات دیگر گرایش به وحدت پیدا می‌کند یکباره در فضای رسانه‌های غربی و عبری و فضایی ایجاد می‌شود که دوباره همه با هم اختلاف پیدا می‌کنند.

هر وقت جهان اسلام به خاطر مسئله غزه یا اتفاقات دیگر گرایش به وحدت پیدا می‌کند یکباره در فضای رسانه‌های غربی و عبری و فضایی ایجاد می‌شود که دوباره همه با هم اختلاف پیدا می‌کنند.

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه- مصطفی شاکری گرکانی: امروز سالروز میلاد باسعادت خاتم الانبیا حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و امام جعفر صادق (ع) است.

با اینکه خداوند متعال در ضمن آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» در قرآن کریم صراحتاً دستور به وحدت و پرهیز از تفرقه داده و این تکلیف دینی و اجتماعی در سیره پیامبر (ص) به بهترین شکل نمود داشته، با این حال مسلمانان در طی قرون متمادی نتوانستند آن چنان که باید و شاید به وحدتی که مورد نظر اسلام و پیامبر (ص) و قرآن کریم است دست پیدا کنند. به مناسبت سالروز ولادت پیامبر اکرم (ص) و در ایام هفته وحدت با حجت الاسلام والمسلمین مهدی فرمانیان، استاد دانشگاه ادیان و مذاهب درباره ضرورت وحدت مذاهب و همچنین مهمترین موانعی که از شکل‌گیری تقریب مذاهب اسلامی جلوگیری می‌کند گفت‌وگو کردیم که حاصل آن را در ادامه می‌خوانید؛

* به مناسبت اینکه در ایام ولادت پیامبر اعظم (ص) قرار داریم، در ابتدا در خصوص اهمیت مسئله تقریب در دیدگاه پیامبر (ص) توضیح بفرمائید.

وحدت اسلامی و تشکیل امت واحده غیر از اینکه در قرآن در آیات متعددی بیان شده، در سنت نبوی هم روایات متعددی در این زمینه داریم و رسول خدا (ص) به شدت مسلمانان را از تفرقه بر حذر می‌داشتند. این نشان می‌دهد پیامبر (ص) نسبت به وحدت امت اسلامی دغدغه داشته‌اند. همچنین بحث اخوتی که ایشان در مدینه بین مهاجرین و انصار ایجاد می‌کند نشان از اهمیت وحدت میان مسلمانان دارد. بعد از رحلت رسول خدا (ص) نیز اهل بیت (ع) تاکید فراوانی بر وحدت داشتند مخصوصاً امام امیرالمومنین که خودش منادی وحدت بود و از کسانی است که هم در رفتار و هم در گفتار و هم در عمل پایبند به وحدت بود. به همین خاطر نسبت به سه خلیفه اول مشورت می‌داد و کمک می‌کرد. تاریخ نشان می‌دهد که ایشان در فتح مکه به خلیفه کمک کرد، در فتح شام کمک کرد و با اینکه خلافت حق ایشان بود ولی ۲۵ سال وارد فضای تفرقه و دودستگی نشد و جدا شدن از امت را نمی‌پذیرفت.

* چند رویکرد نسبت به مسئله وحدت و تقریب مذاهب وجود دارد و کدام رویکرد از نظر شما پذیرفته است؟

ما چند رویکرد نسبت به وحدت داریم. یک رویکرد، رویکرد کلامی است. در رویکرد کلامی گفته می‌شود ما می‌توانیم در بحث اعتقادات با رویکرد اثباتی و ایجاد بحث تقریب را ادامه دهیم و وارد سلبیات نشویم. ما به جای اینکه دیگران را نفی کنیم خودمان را اثبات کنیم، به جای اینکه امامت دیگران را نفی کنیم، امامت خودمان را اثبات می‌کنیم، به جای اینکه فقه و کلام دیگران را نفی کنیم عقاید خودمان را بر اساس کتاب و سنت اثبات می‌کنیم.

دومین رویکرد، رویکرد فقهی است که می‌گوید ما در آنچه با هم اشتراک داریم همکاری و تعاون می‌کنیم و نسبت به آنچه اختلاف داریم همدیگر را معذور می‌دانیم. این اختلافات همچنانکه میان عالمان یک مذهب برقرار است، می‌تواند میان علمای مذاهب هم وجود داشته باشد و هر مذهب برای خودش عذر شرعی دارد. همانطور که یک عالم در یک مذهب بر اساس کتاب و سنت اجتهاد می‌کند و به یک نظری می‌رسد، عالم دیگری هم در یک مذهب دیگر بر اساس کتاب و سنت اجتهاد می‌کند و به یک نظر دیگر می‌رسد. این فرد نرفته از تورات و انجیل استنباط کند، رفته از قرآن و سنت استفاده کرده و به همین خاطر نزد خداوند معذور و مأجور است.

سومین رویکرد، رویکردی است که می‌گوید ما باید تاکید بر اشتراکات کنیم و درباره اختلافات سخن نگوئیم. رویکرد دیگر رویکرد اجتماعی است. برخی معتقدند ما نه کاری به اختلافات اعتقادی داریم، نه کاری به اختلافات فقهی داریم بلکه باید کاری کنیم مردم با هم زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند. این رویکرد می‌گوید ما اصلاً وارد اختلافات فقهی و اعتقادی نمی‌شویم و در جامعه و تریبون‌های رسمی که همه مردم مخاطب ما هستند بر زندگی مسالمت‌آمیز تاکید می‌کنیم. این یک رویکرد اجتماعی

در بحث تقریب است که بیشتر مسائل اجتماعی برایش مهم است، نه مسائل اعتقادی و فقهی.

رویکرد بعدی رویکرد فرهنگی است. در رویکرد فرهنگی گفته می شود ما باید از نظر فرهنگی به گونه ای مردم را تربیت کنیم که تحمل مخالف را داشته باشند، تحمل اینکه بتوانند یک مخالف در کنارشان زندگی کند را داشته باشند و این امر باعث اختلاف و دوری آنها نشود. این رویکردی است که برخی افراد درباره آن سخن می گویند. بر این اساس ما باید طوری فرزندانمان را آموزش دهیم که از ابتدا بدانند دیگرانی هستند و این دیگران نظر مخالف دارند و ما باید این تحمل درونی را داشته باشیم که دیگران را تحمل کنیم و دنبال حذف و محدود کردن دیگران نباشیم.

رویکرد بعدی رویکرد تمدنی است. در ایران کمتر دیدم کسی درباره رویکرد تمدنی سخن بگویند ولی در مصر و تونس کسانی هستند که می گویند باید رویکرد تمدنی داشته باشیم یعنی هدف اصلی مان ساختن یک تمدن جدید است. وقتی هدف اینقدر بلند باشد این اختلافات جزئی ارزش ندارند که به آنها پرداخته شود بلکه باید تمام توان و استعداد و سرمایه مان را برای این به کار ببریم که یک تمدن جدید بسازیم. در سخنان مقام معظم رهبری اشاراتی به همه این رویکردهایی که عرض کردم از جمله رویکرد تمدنی مشاهده می شود.

رویکرد بعدی رویکرد سیاسی است. رویکرد سیاسی می گوید مشکل جهان اسلام سیاستمداران هستند و اگر سیاستمداران با هم خوب باشند خیلی از مشکلات حل می شود. همین بحثی که اخیراً رئیس جمهور دکتر پزشکیان مطرح کرد ناظر به همین مسئله است. چه اشکالی دارد یک مسلمان از مالزی سوار ماشین شود و تا مصر و مغرب بدون گذرنامه سفر کند. کسانی که قائل به اتحادیه کشورهای مسلمان هستند، کسانی که قائل به سازمان کنفرانس اسلامی هستند، در حوزه رویکرد سیاسی به تقریب می گنجند.

همه این رویکردها مهم است و باید به همه این رویکردها توجه کرد. اینها مثل تکه های یک پازل هستند که اگر کنار هم چیده شوند می توانیم امت واحده ای که می خواهیم ایجاد کنیم. البته اهمیت و تأثیر برخی رویکردها بیشتر است ولی برخی زمانبر است و باید برایش برنامه منسجم داشت تا به سامان برسد.

*چه اموری مانع می شود به تقریب مذاهب اسلامی دست پیدا کنیم؟ به تعبیر دیگر مهمترین موانع تقریب کدام است؟

ما چند مانع را می توانیم به عنوان موانع تقریب نام ببریم. یکی از موانع تقریب موانع اعتقادی است که مانع مهمی است. مثلاً وقتی شخصی معتقد است فلان فرقه منحرف است، فلان فرقه بدعت گذار است یا حتی بدتر از آن، فلان فرقه مشرک است و حتی اگر برخی اشتراکات هم داریم آنقدر اختلافات برجسته است که نمی توانیم با هم در یک جلسه حاضر شویم و با هم همکاری کنیم، طبیعتاً این شخص نمی تواند دنبال وحدت باشد. این نگاه هم در شیعه وجود دارد و هم در میان اهل سنت و در میان هر دو مذهب آدم های افراطی وجود دارند که چنین دیدگاهی دارند. این یک مانع بزرگی است که وجود دارد.

مانع دوم این است که ما دشمنان مشترکی داریم که این دشمنان به شدت بر طبل تفرقه می کوبند. هر وقت جهان اسلام یک مقدار به خاطر مسئله غزه یا اتفاقات دیگر گرایش به وحدت پیدا می کند و نگاه ها به هم مثبت می شود یکباره در فضای رسانه های غربی و عبری و عربی فضایی ایجاد می شود که دوباره همه با هم اختلاف پیدا می کنند. این امر نتیجه فعالیت رسانه هایی است که در دست دشمنان ما است و از هر فرصت برای ایجاد تفرقه در جهان اسلام استفاده می کنند.

مانع سوم جهل مردم و حتی مسئولان آنها است. یک معضلی که در جهان اسلام داریم این است که بسیاری از رهبران اهل سنت شیعه را نمی شناسند، بسیاری از علمای شیعه نیز اهل سنت را نمی شناسند. چون جهل وجود دارد شایعات و برخی خبرها و اقوال شاذ به عنوان نظرات یک مذهب مطرح می شوند. مثلاً شما می بینید مشهور یک فرقه یک چیز می گویند ولی یک قول شاذ را برجسته می کنند. مثلاً مشهور شیعه قائل به عدم تحریف قرآن است ولی تحریف قرآن که یک قول شاذ است به عنوان نظر شیعه برجسته می شود. مشهور شیعه در باب اینکه منابع ما چگونه هستند کتاب و سنت را می پذیرند ولی یکباره شایعه می کنند که اینها یک قرآن جدید دارند. از آن طرف اهل سنتی که ما می شناسیم محب اهل بیت (ع) هستند ولی یکباره شایعه می کنند که همه آنها ناصبی هستند و بغض اهل بیت (ع) دارند. این شایعات از روی جهل پخش می شود، از روی جهل پذیرفته می شود لذا ما باید شناخت بین مذاهب را بیشتر کنیم.

*برای حل این مسئله چه باید کرد؟

همه حوزه های علمیه، همه دانشگاه ها باید چند واحدی درباره اینکه اندیشه طرف مقابل چیست بگذرانند، مدرسانش هم مدرسان تقریبی باشند چون یک معضل دیگری که ما داریم این است خیلی وقت ها استاد ضد تقریبی سر کلاس تقریب می آید و

دقیقاً اختلافات را برجسته می کند و ضد هدف اصلی حرف می زند.

یکی دیگر از موانع تقریب، حفظ قدرت سیاستمداران است. بعضی وقت ها بعضی سیاستمداران جهان اسلام احساس می کنند اگر به سمت وحدت و تقریب بیایند قدرتشان ضعیف می شود و جایگاه خود را از دست می دهند. لذا گاهی اوقات کارهایی می کنند، حرف هایی می زنند که ضد تقریب است. این هم از معضلاتی است که در جهان اسلام داریم. یک معضل دیگر فتوای تکفیری است که گاه از سوی هر دو طرف بیان می شود. اینها موانع مهمی هستند که باعث می شوند تقریب شکل نگیرد.

عموم مردم شیعه و اهل سنت تقریبی هستند و ذاتاً و فطرتاً وحدتی و تقریبی و امت واحده ای خلق شدند اما متأسفانه همین موانعی که اشاره کردم از جمله رفتار برخی سیاستمداران، برخی فتاوی علمای، برخی مطالب رسانه ها و برخی عدم شناخت ها دست به دست هم می دهد و متأسفانه فضای تفرقه را بیشتر می کند و مردم را از وحدت و امت واحده دور می کند.